



۱۴

پارگی یا نیمه پارگی تاندون کف پا
از شایع ترین علل درد در مچ پا و قسمت داخلی کف پا است

رمزگشایی از درد کف پا

با پیشرفت فناوری های دیجیتال، شیوه های سنتی حفظ
و کنترل سلامت، جای خود را به ابزارهای پوشیدنی دیجیتال می دهد

۷ ضامن دیجیتال سلامت

۱۵

با گذشت يك سال از زلزله ویرانگر کوهبنان
هنوز مردم زیادی در شرایط سخت در کانتکس زندگی می کنند

یلدای کوهبنانی ها يك ساله شد



زندگی

سه شنبه ۰۴ دی ۱۳۹۷ :: شماره ۵۷۸۲



۱۶

خانواده معلولان فراموش شده اند

زندگی با فرد دچار معلولیت و همراهی کردن با او برای هر کسی امکان پذیر نیست، چون زندگی با يك معلول به همان اندازه كه معلول محدودیت دارد برای اطرافیان ایجاد محدودیت می کند؛ محدودیت هایی كه برای آقای نقاش صرفا حرکتی است، سهیلا شجاعی همسر آقای رزقی بارز می گوید؛ متأسفانه دستگاه های دولتی و جامعه هیچ وقت خانواده يك معلول را درست حمایت و درك نمی كنند. در دسر های زندگی همسر معلول کمتر از معلول نیست. من به عنوان همسر يك هنرمند اگر حمایت نشوم، توانایی مراقبت و حمایت از همسرم را نخواهم داشت. آن طور كه او می گوید در این چند سال كه در كنار يك معلول زندگی كرده است، هیچ گاه توجه خاصی از سوی نهادهی نسبت به خانواده معلولان ندیده است. خانم شجاعی ادامه می دهد: ماهانه صد هزار تومان به عنوان حق نگهداری به همسر معلولان پرداخت می شود كه بیشتر ناراحت كننده است تا این كه مشكل گشا باشد. من به عنوان همسر شخصی كه دچار معلولیت است حاضرم این مبلغ را دریافت كنم، اما كارهای اساسی برای حمایت از خانواده معلول انجام شود.

او پیشنهاد می دهد سازمان بهزیستی افرادی را به عنوان پرستار معلولان تربیت و استخدام كند و با این كار نیاز معلولان را به مراكز نگهداری و پرستاری كمتر كند، چون این مراكز خدمات مناسبی ارائه نمی دهند، اما هزینه بالایی از خانواده های می گیرند.

آقای نقاش سخنان همسرش را تایید می كند و ادامه می دهد: خانواده ای رادر نظر بگیرید كه پدر و مادر دارای فرزند معلول باشند، هر چه سن معلول بیشتر شود، والدین مسن تر و در نگهداری از معلول ناتوان تر می شوند، حتی خودشان هم نیاز به مراقبت پیدا می كنند. اگر قرار باشد همسرم كل زندگی اش را صرف رسیدگی به من كند و به علایق شخصی خودش رسیدگی نكند، بعد از مدتی دچار فرسایش و حتی بیماری های عصبی و جسمی می شود.

عکس ها: ندا رام گبری

مشكل بزرگ معلولان

مناسب سازی معابر برای معلولان در دسر همیشگی و محدودیتی است كه به دست خودشان حل نمی شود، آنها كوششان از حرف مسؤولان شهرداری كه بارها قول حل این مساله را داده اند، پر است. این هنرمند دچار معلولیت، وضعیت عبور و مرور معلولان را درد بزرگ می نامد و می گوید: نمی دانم چطور این مساله را بگویم كه در مسؤولان اثر كند، اگر ما معلول ها را كه بر اثر اتفاق یا بیماری معلول شده ایم، كنار بگذارید، در كشور ما جانبا زانی هستند كه برای دفاع از این خاك از جانشان مایه گذاشته اند، اما امروز از كمترین امتیاز شهروندی كه همان استفاده از معابر و پیاده رو های شهری است، محروم هستند. آرش پیشنهاد می دهد شهردار یا شخصی كه مسؤول مناسب سازی معابر است، باید يك روز سوار بر ویلچر شود و تردد كند تا از مناسب سازی معابر درك و فهم درستی پیدا كند. او ادامه می دهد: بارها پیش آمده است برای رفتن به يك نمایشگاه از دوستی كه همیشه با من است، خواسته ام مسیر را بررسی كند و ببیند برای من قابل تردد است یا نه؟ از نگاه او قابل تردد بوده است، اما زمانی كه من رفته ام، بارها در مسیر به مانع خورده ام. به همین دلیل است كه می گویم باید مسؤول خود روی ویلچر بنشیند.

چشم اندیش را به سختی با می كند، درست نمی بیند، یادش نمی آید چه اتفاقی افتاده، صدای جبر جبر كشش و مكالمه بی صدای پزشك ها را می شنود كه از تختی به تخت دیگر می روند. نمی تواند تكان بخورد، حسایی ترسیده است. پرستار ها به او می گویند كه در بیمارستان بستری است. چند روز از اتفاقی كه برایش افتاده می گذرد، چند بار جراحی شده، نخاعش از ناحیه گردن آسیب جدی دیده است. پزشك ها می گویند شاید دیگر هیچ وقت نتواند بدنش را حرکت دهد، گوش هایش می خوانند چیزی را كه می شنوند، باور نكندند. پرستار و پزشك ها می روند، آرش در اتاق تنها می شود، به این فكر می كند كه اگر دستانش حرکت نكرد با دهانش نقاشی بكشد، روزها پشت سر هم می گذرد، یگی پس از دیگری و آرش همچنان بی حرکت روی تخت است. پزشكی وارد اتاق می شود، دست آرش را می فشارد، فشار را در آرنج و ساعدش حس می كند، اما در انگشتانش نه. دستانش دوباره جان گرفت اما انگشتانش برای همیشه بی حس شد. مثل ۹۰ درصد اعضای بدنش كه برای همیشه از كار افتاد. آرش رزقی بارز ۲۱ ساله بود كه معلول شد، سه سال قبل تر و ۱۸ سالگی به حد قابل از نقاشی رسیده بود. بدنش بی حرکت بود، اما باید نقاشی هایش را به سرانجام می رساند. عشق به نقاشی، آرش را دوباره پای بوم آورد، این بار مصمم و جدی تر از قبل رنگ و قلم را برداشت و نقاشی كشیدن را شروع كرد. حالا بعد از گذشت ۲۷ سال از حادثه ای كه برایش اتفاق افتاده، هر روز در گوشه ای از جهان نمایشگاه آثارش برپا می شود، در مسابقات بین المللی شركت و همه را وادار به تحسین می كند.

هر كسی كه پیامی دارد برای انتقال آن از يك نوع رسانه استفاده می كند، نویسنده، فیلم ساز و خبرنگار هر كدام به شكلی پیامی را كه در ذهن دارند به مخاطب انتقال می دهند. من غیر از علاقه بسیار زیادی كه به نقاشی داشتم، دنبال رسانه ای برای بیان عقایدم بودم كه نقاشی این كمك را به من كرد. آرش در صحبت هایش به این بحث هم اشاره می كند كه از حال و روز زندگی نقاش ها بی خبر نبوده و می دانسته كه از لحاظ مالی شرایط سختی دارند، اما نمی توانست دنبال علاقه اش نرود. او می گوید نقاش شدنش به خاطر این نبوده كه از راه دیگر نمی توانست درآمد داشته باشد، هر چند در حال حاضر هم درآمد آنچنانی از راه فروش آثارش ندارد و از آخرین اثری كه فروخته است چند سالی می گذرد.

فقرات دارد با هم رقابت كنند، اما در پارالمپيك های ورزشی، دو معلول با معلولیت يكسان و شبیه با هم رقابت می كنند، در داورى ها میزان معلولیت برای امتیاز دهی مورد سنجش نیست و افرادی كه موفق به كسب تپه می شوند، باید توانایی در حد هنرمندان سالم از خود نشان دهند. با این حال آرش در اپیلیمپيك ۲۰۰۸ دهلی نو، ۲۱۰۰ كره جنوبی و ۲۱۶ فرانسه حاضر بوده است.

استاد تاثیر گذار

بخشی دیگر از زندگی آرش در آموزش و تربیت شاگرد خلاصه می شود. او با همكاری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان كرج كلاس نقاشی اش را هفته ای دو روز در كتابخانه علامه امینی فردیس بر پا می كند. رزقی بارز در جواب این پرسش كه هنرچوها با دیدن هنر و وضعیت جسمانی او چه واكنشی دارند، توضیح می دهد:

معمولا افرادی كه برای شركت در كلاس ها به من مراجعه می كنند دو نوع واكنش از خود نشان می دهند. گروه اول افرادی هستند كه از طریق شاگردان قبلی و رسانه ها من را می شناسند و وضعیت من برایشان عادی است، اما گروه دوم برای شركت در كلاس ها تردید می كنند. شاگرد هایی كه با تردید شاگرد آرش می شوند بعد از مدتی حتی اگر نقاشی را هم ادامه ندهند، تاثیر خوبی از او می گیرند. تاثیری كه به گفته رزقی بارز در زمینه نقاشی نیست و بلکه در زندگی واقعی آنهاست. در واقع آنها با این واقعیت روبرو می شوند كه يك فرد معلول هم می تواند با این شرایط جسمانی توانایی هایی داشته باشد. همین امر باعث انگیزه در آنها برای رسیدن به هدف هایشان می شود. این هنرمند با این كه مخارج زندگی اش از راه تدریس تامین می شود، اما زیاد زمانش را صرف آن نمی كند. «شرایط جسمانی ام به شكلی است كه نمی توانم زیاد برای آموزش وقت بگذارم. همچنین آموزش بیش از حد معمول می تواند خلاقیت را از هنرمند بگیرد و او را دچار رومرگی كند.»

قاصد يك پیام

«برای انتقال پیامی كه در دل و پس ذهنم داشتم، نقاش شدم.» آرش این را در جواب این كه چه انگیزه ای او را به سمت نقاش شدن كشیده، می گوید و ادامه می دهد:

آرش در زندگی اش دو بار متولد شده است، يك بار در سال ۱۳۴۹ و بار دیگر در ۱۳۷۰ همان زمانی كه تصمیم گرفت با معلولیت كنار بیاید و برای زندگی دوباره بجنگد. به قول خودش از بین ناامیدی و زندگی، زندگی را انتخاب كرد و تسلیم سرنوشت نشد. او حالا ساكن شهر اندیشه در استان البرز است، متاهل شده و خانه اش را با نقاشی هایش تزئین كرده است؛ نقاشی هایی كه برخی از آنها علاوه بر خانه خودش به موزه ها و نمایشگاه های زیادی راه یافته است. آرش در این سال ها در زندگی اش فراز و نشیب های زیادی را تجربه كرده، اما كمتر زبان به گلایه گشوده اگر گلایه ای هم كرده از بی توجهی هایی بوده كه مسؤولان نسبت به هنر داشته اند. او می گوید حال هنر خوب نیست و فشارهای اقتصادی مردم را از هنر دور كرده است.

نمایشگاه و رقابت های جهانی

آرش، چهره نام آشنایی برای نمایشگاه ها و مسابقات بین المللی هنری در جهان است، ۳۵ تا ۴۰ نمایشگاه گروهی و هشت نمایشگاه نقاشی انفرادی و شركت در سه دوره المپيك مهارت و كسب مدال در این رقابت ها، تنها بخشی از افتخارات او در عرصه نقاشی است. آرش درباره سطح و نحوه برگزاری پارالمپيك مهارت می گوید: اپیلیمپيك یا همان مسابقات بین المللی فنی حرفه ای ویژه افراد دارای معلولیت - كه به نام پارالمپيك مهارت شناخته می شود - مانند المپيك ورزشی هر چهار سال يك بار به میزبانی يك كشور و با حضور هنرمندان کشورهای مختلف برگزار می شود، این رقابت ها برای شناسایی معلولان موفق و مقایسه توانایی افراد معلول با افراد سالم شكل گرفته است. البته نه به این شكل كه فرد معلول با فرد سالم رقابت كند، بلکه اثر هنری او بدون در نظر گرفتن معلولیتش داوری می شود. نكته جالب در این مسابقات، دسته بندی نكردن افراد با معلولیت های مختلف است. طبق قانون برگزاری پارالمپيك، افراد براساس نوع معلولیت ابتدا دسته بندی می شوند و سپس با هم رقابت می كنند، اما در مسابقات اپیلیمپيك نوع و میزان معلولیت هنرمندان در نظر گرفته نمی شود. به گفته رزقی بارز در این مسابقات امکان دارد يك شخص نابینا با شخصی كه فقط انحراف ستون



info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۷

ولیعصر - ترافيك

جمعی از ساکنان خیابان سعیدی:

با توجه به ممنوع بودن ورود خودروها به خیابان رحیمی و عاطفی از ولیعصر و یکطرفه بودن آنها، تمام بار ترافیکی تقاطع اسفندبار شامل نیایش و ولیعصر متوجه خیابان سعیدی شده است. نتیجه این تصمیم، ترافیک سنگین و آلودگی شدید هوا و صوتی کوچه سعیدی است. به طوری که از بامداد تا پاسی از شب به صورت مداوم ترافیک ماشین ها از ابتدای سعیدی از ولیعصر تا ماندلا وجود دارد.

یارانه - ارز

صفری ازگرسماز:

چرا دولت با وجود افزایش درآمد از حذف یارانه ها و گران کردن ارز، یارانه شهروندان را افزایش نمی دهد؟ انرژی هر ساله گران می شود ولی خبری از افزایش یارانه نیست.

احتكار - مواد اولیه

ایرجی از اراك:

از قوه قضاییه درخواست می شود همانطور كه با اخلاكران ارز و سكه برخورد كرد با احتكار كنندگان مواد اولیه و كالاها هم كه سعی در برهم زدن اوضاع اقتصادی دارند، برخورد جدی كند.

برنده - قلابی

كلیایی از دامغان:

برخی تولیدكنندگان داخلی پوشاك با چسباندن مارك خارجی روی البسه و افزایش قیمت كالاها به بهانه خارجی بودن، سعی در فریب مردم دارند. امیدوارم با این افراد برخوردی قاطع شود.

جگر - دستفروش

بشارتی از تهران:

دستفروشان مواد غذایی كه در كنار خیابان ها جگر، دل و قلوه می فروشند، با توجه به نداشتن مجوز بهداشت، با جان مردم بازی می كنند.

قیمت - خودرو

نشاطی از تهران:

دولت مانند همیشه در مقابل زیاده خواهی خودرو سازان و سودجویی دلان نتوانست از حق مردم دفاع كند و به نظر خیلی زود شاهد افزایش قیمت خودرو باشیم.

جوابیه

در پی درج پیامی در ۲۱ آذر ۱۳۹۷ با عنوان «باران - مترو» مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین الملل متروی تهران با ارسال نمایی اعلام كرد: ضمن عذرخواهی از مسافران محترم ایستگاه متروی میدان محمدیه، محل آبریزش در این ایستگاه شناسایی و در دستوركار علایق بندی قرار دارد و به زودی این مشكل برطرف خواهد شد.